

۲-۵. گزیده‌های نظم و نثر فارسی*، منوچهر دانش‌پژوه، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۰ صفحه.

تدوین کتاب مناسبی برای سه واحد درسی فارسی عمومی کار ارزشمندی است که بسیاری به آن همت گماشته‌اند و هر یک در جای خود درخور اعتناست. نقد این کتاب‌ها در جامع‌تر شدن آنها مفید است. کتاب *گزیده‌های نظم و نثر فارسی* تألیف استاد بزرگوار جناب آقای منوچهر دانش‌پژوه است. در ذیل به ترتیب بخش‌های کتاب، به نکاتی درباره آن اشاره می‌شود:

پیشگفتار

پیشگفتار این کتاب عالمانه است، امادر پیشگفتار کتاب درسی به ویژه کتاب ادبی که هدف نگارشی را نیز دنبال می‌کند، انتظار می‌رود واژگان دقیق‌تری انتخاب شود. مثلاً در سطر اول به جای «تهیه‌منتخبات»، «منتخب‌نویسی» و بهتر از آن «گزیده‌نویسی» پیشنهاد می‌شود. به جای «کشکولها»، «کشکولهای» و به جای سه سطر اول، این عبارت پیشنهاد می‌شود: *گزیده نویسی در تاریخ ادبیات ما کار تازه‌ای نیست و سابقه‌ای کهن دارد و نمونه‌های خطی به جامانده از دوره‌های پیشین سابقه‌تهیه‌گزیده‌نویسی را به صد هاسال پیش می‌رساند.* در

سطر چهارم به جای «رسم گزیده‌های شعر و نثر»، «تاریخ گزیده‌نویسی شعر و نثر» بهتر به نظر می‌رسد.

- به جای این سه سطر بند دوم، «چه این گونه دفترها، و چه کتاب‌هایی که با ضوابط خاص (و غیر تفننی) در برگزیدن نمونه‌های شعر و نثر تألیف می‌شود، همه در برانگیختن رغبت بیشتر به آثار شاعران و نویسندگان، وسیله مؤثری هستند». می‌توان به طور ساده نوشت: «این گونه گزیده‌ها و کتاب‌هایی که با ضوابط خاص از متون ادبی تهیه می‌شود وسیله مؤثری در برانگیختن رغبت بیشتر به آثار شاعران و نویسندگان هستند».

- تقسیم بندی گزیده‌ها به عمومی، درسی و کمک درسی، نه دقیق است و نه لازم.
- در سطر دوم صفحه دوازده به گزیده‌هایی اشاره شده که برای همه علاقه‌مندان به ادبیات فارسی تهیه شده است. کاربرد مجموعه‌های اشاره شده برای عموم قابل استفاده نیست. از سوی دیگر نام گزیده برای این مجموعه‌ها درست به نظر نمی‌رسد.

- سطر ۶، صفحه ۱۳، توضیح روش تألیف کتاب می‌توانست بسیار ساده‌تر بیان شود.

- سطر ۶، صفحه ۹ به جای «کتاب سه بخش را شامل است» بهتر است چنین باشد «کتاب شامل سه بخش است».

مقدمه

- مقدمه مطوّل و بدون عنوان بندی است و برای خواننده کسل کننده است.
- بهتر بود در این مقدمه ابتدا تعریفی از زبان و ماهیت شعر و ارتباط آن دو و تعریفی از نثر می‌شد و سپس از علل روی آوردن به شعر صحبت می‌شد.
- سطر ۳، صفحه ۱ مقدمه؛ کلمه سپس زاید است.

- سطر ۷، صفحه ۱ مقدمه، به جای «نوزاد انسان...» می‌توان نوشت «انسان از بدو تولد».

- سطر ۱۴، صفحه ۲ مقدمه، در بحث «رجحان» شعر بر نثر، باید توجه داشت مسئله مزیت شعر بر نثر نیست و سخن درباره تقدم و تأخر کاربرد نثر و شعر هم راه به جایی نمی‌برد. شاید همزادند و هر یک زبان بخشی از نیازهای بشر است. شعر بیان هنری نیازهای انسان است و نثر نیازهای دیگر را بیان می‌کند و هر یک از اهمیت ویژه خود برخوردارند.

- ص ۳ مقدمه، در بخش «ب» بهتر بود به جای پرداختن به جاذبه شعر که لحن شعاری پیدا کرده است به ساختار و ماهیت اجزای شعر بیشتر توجه شود.

- سطر ۴، صفحه ۱۰ مقدمه، کلیله و دمنه «یکی از قدیم‌ترین کتب نثر فارسی» قلمداد شده است. بهتر بود به «ترجمه» بودن آن هم اشاره شود.

- سطر ۵، ص ۱۱ مقدمه، چنین آمده است: «یکی از ادبای شیفته شاعران ایرانی...»

- سطر ۱۱، ص ۱۲، مقدمه؛ اینکه شاعران اروپایی از شاعران ما الهام گرفته‌اند و به عظمت روح و نفوذ کلام سرایندگان ایرانی اقرار کرده‌اند و آنان را ستوده‌اند، منظور همه سرایندگان است یا تعداد خاصی؟ بد نبود به این دسته از شاعران اشاره می‌شد.

- سطر ۴ و ۵، صفحه ۱۶، مقدمه، تداعی گری شعر پروین از شعر سعدی بسیار مبهم است.

- سطر ۲۱، صفحه ۱۶ مقدمه، طرح اینکه نثر فارسی معاصر تحول گسترده‌تری

یافته است؛ روشن نیست این تحول از چه نظر است؟

- سطر ۷-۱۴، ص ۱۷ مقدمه، تکراری است و در ابتدای ادبیات معاصر نیز عنوان شده است.

بخش اول - متون کهن فارسی

الف - فصل نثر.

- استاد برخلاف نظر خود که شعر را (در مقدمه کتاب) بر نثر ترجیح داده‌اند خود در عمل نثر را بر شعر مقدم داشته‌اند.

- در این بخش متون کهن فارسی، به ترتیب تاریخ نیامده است.

فهرست کتاب‌ها به این ترتیب است: مقدمه شاهنامه ابومنصوری (سال تحریر ۳۶۶ ه.ق). تاریخ بلعمی. (ابوجعفر محمد بن جریر طبری سال ۳۱۰ ه.ق وفات کرده است و کتابش را در سال ۳۵۲ ه.ق بلعمی از عربی به فارسی ترجمه کرده است). قابوس‌نامه. (عنصرالمعالی ۴۷۵ ه.ق نوشته شده است). *التفهیم*. (ابوریحان بیرونی، وفات ۴۴۰ ه.ق). *کلیله و دمنه* (ترجمه ابوالمعالی نصرالله بن محمد عبدالحمید نیمه قرن ششم ه.ق ترجمه بخاری مربوط به همان دوران). *گلستان* سعدی (تألیف ۶۵۶ ه.ق).

- در این بخش گزیده‌ای از نثر محمدغزالی، تاریخ بیهقی و سفرنامه ناصر خسرو می‌توانست جای چند صفحه از چهار مقاله و یا گزیده *التفهیم* را - که جنبه ادبی آن کمتر است - بگیرد.

- در بخش اول، الف - فصل نثر، فهرست با نام کتابها تنظیم شده در حالی که در بخش ب، فصل شعر، با نام شاعران تنظیم شده است. در بخش دوم فصل الف و ب هر دو با نام نویسندگان فهرست بندی شده است.

- در صفحه ۲۳ - توضیحات «رام و رامین» ناقص است و روشن نشده است آیا این دو، بت‌های هندی است یا پهلوانان آنها.

- در ص ۲۴- گزیده تاریخ بلعمی می‌توانست بهتر از این باشد؛ زیرا خواندن «خطبه کردن منوچهر ملک» برای دانشجویان عمومی ملالت آور است.

- در صفحه ۲۹- شماره ۱۱، پسوند «دش» به معنای بدی توضیح بیشتری می‌طلبد.
 - در صفحه ۳۰- گزیده چهار مقاله، مقالت اول و دوم با عبارات دشوار و کلمات و ترکیبات دور از ذهن مانند «اتساق مقدمات موهمه»، و «عصیر در رسید و شاه سفرم و حماحم و اقحوان...» و مانند آنها جز ایجاد بی‌زاری در دانشجویان درس فارسی عمومی تأثیر دیگری ندارد. برای حذف آن همین بس که برای متن شش صفحه‌ای، ۱۳۳ توضیح در شش صفحه آمده است و در واقع بیش از دوازده صفحه از کتاب فارسی عمومی به چهارمقاله اختصاص یافته است.

- نکته دیگر آوانویسی بعضی کلمات دور از ذهن است که در این متن و متن‌های دیگر این کتاب تا آخر مغفول مانده است.

- غلط‌های تایپی اندک مانند نویسنده‌گان در صفحه ۳۹، سطر ۲۲.

بخش اول - فصل شعر

- در فهرست فصل شعر بخش اول، اگر مقید به ترتیب سیر تاریخی باشیم که تقریباً همین طور است، جا دارد سنایی قبل از مسعود سعد و خاقانی قبل از نظامی و عرفی شیرازی قبل از صائب آورده شود.

- درباره گزیده‌های اشعار فردوسی، نظامی، مولوی، سعدی و حافظ نمونه‌ی بیشتری می‌طلبد.

- نمونه‌های انتخابی دیدگاه، فکر و مشرب عرفانی شاعر و نویسنده را نشان دهد. مثلاً در مورد سنایی، مولوی و حافظ چنین انتخابی صورت نگرفته است. در مورد سنایی نیز نمونه مذکور معرف سنایی و افکار بلند عرفانی او نیست. در مورد مولوی هم

نمونه‌ها خوب است، اما معرف وی نیست. همچنین در مورد حافظ نیز نمونه‌ها خوب است، اما انتظار نمونه‌های بهتر و بیشتر هم هست. البته باید به سلاقی متفاوت در این باره نیز اذعان کرد.

بخش دوم - الف نثر معاصر

- بخشی از مقدمه کتاب که درباره ادبیات معاصر است می‌توانست به این بخش منتقل شود.

- همان گونه که درباره شرح حال نویسندگان کهن اندک نوشته شده است جا دارد در این بخش نیز همان شیوه اعمال شود. مثلاً جایگاه جمالزاده در داستان‌نویسی و نام آثارش بیاید. همچنین درباره سایر نویسندگانی که در این کتاب آثار آنان آمده است.

بخش سوم

عنوان «فصولی در آئین نگارش» دلنشین و در عین حال مباحث مفصلی از آئین نگارش را تداعی می‌کند. بهتر بود نکته‌های نگارشی در بین مطالب کتاب آورده می‌شدند به صورت مستقل. گذشته از آن جای «مقاله نویسی» و شیوه تحقیق نیز خالی است.

* نقد این کتاب در شماره ویژه ادبیات فصلنامه *علوم انسانی*؛ ویژه ادبیات به قلم خانم دکتر مهین پناهی منتشر شده است. این مطلب نیز برگرفته از آن مقاله است. از ایشان سپاسگزاریم.